

Journal of Islamic Education Research

Faculty of Literature and Humanities

Shahid Bahonar University of Kerman

Vol. 8, No. 1, Serial 13, 2019

***The Ultimate and Mediating Objectives In Islamic and
Liberalist Education***

Keramat Esmi¹, Department of Education, Shahid Bahonar University of Kerman,
Kerman, Iran. km.esmi@uk.ac.ir

Davoud, Tahmasebzadeh-Shaykhlari, Department of Education, Tabriz University,
Tabriz, Iran.

Eslami, Jamshid, Department of Surgical Technologists, Shiraz University of
Medical Sciences, Shiraz, Iran.

Abstract

The present study was conducted aiming to investigate the foundations, principles, values and approaches of Islam and Liberalism to education as well as to make a comparative analysis of these two stances with regard to the significance of objectives in directing the process of education on the basis of two ultimate and mediating goals (belief, ethical, cultural, social, civil, emotional, etc.). The research method was of a deductive-analytic nature which examined the documents related to the topic. According to the findings, it can be stated that each of the two educational views highlighted various kinds of objectives. With regard to the liberalist approach, education seeks to achieve knowledge and is human-centered, while Islamic approach is God-oriented and seeks not only to increase horizons of knowledge but also to develop equally all aspects of human nature.

¹ Corresponding Author

Keywords: Islamic Education, Liberalist Education, Ultimate Objective, Mediatory Objective



مجله پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸

اهداف غایی و واسطی در تعلیم و تربیت اسلامی و لیبرال

کرامت اسمی^۱

استادیار بخش علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

داوود طهماسب‌زاده شیخ‌لار

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

جمشید اسلامی

استادیار گروه اتاق عمل و بیهوشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

مقاله حاضر به بررسی میانی، اصول، ارزش‌ها و روش‌های دو دیدگاه تربیتی اسلام و لیبرال پرداخته و سپس، با اشاره به اهمیت اهداف در تعیین جهت و هدایت فرایند آموزش و تربیت و تقسیم‌بندی اهداف تعلیم و تربیت به دو گروه اهداف غایی و واسطی (اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، مدنی، عاطفی و ...)، به بررسی تطبیقی دو دیدگاه تربیتی اسلام و لیبرالیسم

^۱. نویسنده مسئول

پرداخته است. روش پژوهش در تحقیق حاضر از نوع تحلیلی-استنتاجی است که با تحلیل اسناد پیرامون موضوع پژوهش می توان گفت که هر کدام از دیدگاه های تربیتی فوق، بر انواع هدف ها تأکید داشته اند؛ به طوری که در تربیت اسلامی، محور خداست و هدف، تنها کسب معرفت نیست؛ بلکه رشد و شکوفایی متوازن همه ابعاد وجودی انسان است؛ اما از دیدگاه مربیان لیبرال، تعلیم و تربیت فرایندی است که به کسب دانش نظر دارد و انسان را محور قرار می دهد.

واژه های کلیدی: تربیت اسلامی، تربیت لیبرال، هدف غایی، هدف واسطی

۱- مقدمه

انسان موجودی چند بعدی است و تمامی ابعاد وجودی او نیازمند تربیت است؛ از این رو، تعلیم و تربیت، یکی از نیازهای ضروری انسان ها برای قرار گرفتن در مسیر صحیح زندگی و فراهم ساختن فرصت رشد همه جانبه است. تحقق هدف آفرینش انسان، تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است؛ به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرد و پیامبرانی را با دلیل روشن و احکام و قوانین محکم برانگیخت و رسالت تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷: ۲۴)؛ از این رو، تربیت ریشه در هزاران نسل پیشین انسانی دارد و سایه تأثیر آن بر تمام نسل های پسین نیز ادامه خواهد داشت (هاشمی، ۱۳۸۸) به طوری که اهمیت و نقش منحصر به فرد تربیت در تحقق فرهنگ و تمدن و رشد و تعالی آن دو، بر مربیان و اندیشه ورزان بزرگ پوشیده نبوده است.

غزالی، تربیت را پس از پیامبری، شریف‌ترین کار آدمی خوانده و کانت آن را بزرگ‌ترین و دشوارترین مسئلهٔ آدمی دانسته و افلاطون بر آن بوده‌است که فنی عالی‌تر و مقدّس‌تر از تربیت نیست (کاظم‌زاده، ۱۳۵۷). از نگاه پستالوزی، تربیت رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ با همهٔ استعدادها و نیروهای گوهرین در انسان است (صدیق، ۱۳۵۴). فروبل، تربیت را رشد و تعالی نیروها و استعدادهای بالقوه در نهاد آدمی می‌داند (رفیعی، ۱۳۸۸). روسو بر آن است که تربیت، هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت و هدایت نیروهای طبیعی و استعدادهای مربّی و با رعایت قوانین رشد طبیعی و یا همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد. از نظر او تربیت، فرایند پرورش متربّی در گستر استعدادهای مادرزادی است (رفیعی، ۱۳۸۸).

اما اگر تعلیم و تربیت را ضرورت تحول آدمی از وضع موجود به وضع مطلوب تلقی کنیم، بدون شک این تحول نیازمند آگاهی از هدف و مجموعهٔ اهدافی است که جهت و مسیر حرکت و سرانجام، تنزل نهایی آن را مشخص می‌سازد. هدف در تعلیم و تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن فعالیت‌های مناسب تربیتی انجام می‌گیرد. هدف، از عناصر اصلی تعلیم و تربیت به شمار می‌رود و بدون آن، جریان پیچیده و درازمدت تربیت، فرجام روشن و مسیر حرکت مشخصی نخواهد داشت؛ در واقع اهداف، جهات یا خطوطی هستند که حرکت در طول

آنها دستیابی به مطلوب را میسر می سازند، به فرایند آموزش جهت می دهند و استفاده از وسایل را نیز مشخص می کنند (کرمعلیان، ۱۳۸۶).

ترتیب همانند هر فعالیت ارادی دیگر انسان، هدفی را دنبال می کند. هدفداری تعلیم و تربیت از هدفداری نظام آفرینش و نوع جهان بینی و انسان شناسی و مبانی پذیرفته شده یک مکتب تربیتی جدا نیست؛ یعنی هر مکتبی با توجه به مبانی اعتقادی خود، از تربیت انسان هدف خاصی را دنبال می کرده و می کند؛ از همین رو، در یونان قدیم که دفاع از وطن و سرزمین بالاترین ارزش قلمداد می شد، آماده سازی فرد برای فداکاری در راه سرزمین، هدف تربیت قلمداد می شد. در جوامع کمونیستی، هدف نهایی تربیت، فراهم کردن امکان های رشد و گسترش دولت کمونیستی بود و نیز، برخی از طبیعت گرایان معاصر، هدف آموزش و پرورش را آماده ساختن خود برای پیروزی در تنازع بقا می دانند (هاشمی، ۱۳۸۸).

اگزستانسیالیته ها، هدف تربیت را شناخت خود می دانند. در فلسفه عمل گرایی، هدف تعلیم و تربیت چیزی بیش از حرفه آموزی است. آنها معتقدند که فرایند تربیتی، زمانی محقق می شود که فهمیدن ترویج یابد. برخی از عملگرایان معتقدند که مدارس باید عادت های تفکر، ابداع و ابتکار را پرورش دهند تا به مردم در رشد صحیح، یعنی حرکت به سوی زندگی دموکراتیک کمک کند (ضرابی، ۱۳۸۸). در نظریه بازسازی، بر ضرورت تحول تأکید می شود و برادری، آزادی و وحدت جهانی اهداف مطلوبی هستند که

بازسازی گرایان^۱ به آن معتقدند و علاقه‌مندند که در مدارس و جامعه صورت پذیرند. مارکسیست‌ها، هدف تعلیم و تربیت را حرکت جامعه انسانی از سرمایه‌داری به سمت سوسیالیسم و کمونیسم می‌دانند و در این راه به نظر آنان، اهداف بی‌واسطه، شکل‌دهنده شعور سوسیالیستی و جامعه سوسیالیست‌اند. در ایدئالیسم، اهدافی مانند جست‌وجوی حقیقت، ادراک مثل حقیقی، خودشکوفایی و رشد منش مطرح است (ضرابی، ۱۳۸۸). با مرور اوستا و گاتاهای آن و با استناد به سروده‌های زرتشت، می‌توان اهدافی را به شرح زیر برای تعلیم و تربیت زرتشت در نظر گرفت:

۱- جهان‌شمولی اهداف تربیتی: دیدگاه زرتشت بر محور «جامعه بشری» شکل گرفته و او همه افراد بشر را در هر زمان، خوشبخت می‌خواهد؛ به همین انگیزه از همه انسان‌ها می‌خواهد که صمیمانه در پی خوشبختی یکدیگر باشند.

۲- رضایت اهورامزدا: از نظر زرتشت، هدف نهایی تربیت عبارت است از رضایت اهورامزدا و اجرای احکام او که به واسطه پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک حاصل می‌گردد.

¹. reconstruction

۳- پرورش روحیه طبیعت دوستی و حفظ منابع: زرتشت توجه به محیط زیست و حفظ و نگهداری آن را از «نیک اندیشی» می داند و توجه نکردن به آن را «ناراستی» و گمراهی می شمارد (رضوی، ۱۳۸۴).

آنچه گذشت، بیان عمده ترین و رایج ترین دیدگاه های تربیتی در زمینه اهداف تعلیم و تربیت بود که البته، تنها برخی از آنها در تاریخ معاصر عملاً حضور داشته و برخی نیز، کنار گذاشته شده اند؛ اما آنچه توضیحات بیشتری می طلبد و مقاله حاضر در پی دستیابی به آن است، شناخت اهداف تعلیم و تربیت در دو دیدگاه تربیتی اسلام و لیبرال است.

لیبرالیسم و تعلیم و تربیت لیبرال، شیوه های تعلیم و تربیتی دینی را مورد نقد و تهاجم قرار داده و از سوی دیگر، دین باوران نیز پایه های ارزشی لیبرالیسم را زیر سؤال برده اند (زارعان، ۱۳۷۹). دین اسلام که مبتنی بر ارزش های واصله از سوی وحی است، در تعلیم و تربیت دیدگاهی دارد که از برخی جهات با لیبرالیسم منافات دارد؛ بنابراین، شناخت دقیق اهداف تربیتی دو دیدگاه و ذکر تشابهات و تفاوت های آنها ما را در فهم بهتر و کامل تر دو دیدگاه یاری می رساند. این نوشتار، ابتدا با ذکر تاریخچه ای، به نحوه شکل گیری تربیت اسلامی و لیبرال پرداخته و سپس، با تقسیم بندی اهداف تعلیم و تربیت، به دو هدف غایی و واسطی (اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، مدنی، عاطفی و ...)، به بررسی تطبیقی آنها در دو دیدگاه خواهد پرداخت و در نهایت، با توجه به میزان تأکید هر کدام از دیدگاه های تربیتی فوق بر انواع هدف ها، تحلیلی توصیفی راجع به ضرورت و اولویت اهداف ارائه خواهد نمود.

۱-۱- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش تحلیلی- استنتاجی انجام شده است؛ به عبارتی، در این پژوهش ابتدا به بررسی مبانی، اصول، ارزش‌ها و روش‌های تربیتی در دو دیدگاه تربیتی اسلام و لیبرال پرداخته شده و سپس، اهمیت اهداف در تعیین جهت و هدایت فرایند آموزش و تربیت و تقسیم‌بندی اهداف تعلیم و تربیت به دو گروه اهداف غایی و واسطی (اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، مدنی، عاطفی و ...) در دو دیدگاه تربیتی اسلام و لیبرالیسم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در آخر نیز، یافته‌هایی درباره ویژگی‌های اهداف غایی و اهداف واسطی در دو دیدگاه استنتاج و از تناظر این نتایج و یافته‌ها، ویژگی‌های این اهداف در سطوح مختلف توصیف و تطبیق می‌گردد.

۲- بحث

۲-۱- تربیت اسلامی

تربیت در اسلام با معانی و تعابیر مختلفی به کار رفته است. در یک تعبیر، تربیت به معنای رسیدن به رشد است و به طور غالب هم، به معنای رشد جسمی اشاره دارد و واژه مناسبی برای تأکید بر همه تحولات وجود آدمی نیست (باقری، ۱۳۸۷). با توجه به ریشه آن، به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است (باقری، ۱۳۸۴)؛ اما پر معناترین تعبیر

از تربیت اسلامی، همان تعبیر به تزکیه است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷). در آیه دوم سوره جمعه^۱، هدف از بعثت رسولان و پیامبران، آگاه ساختن انسان‌ها از نشانه‌های الهی، تزکیه آنها و علم‌آموزی به آنها عنوان شده است. این سه هدف بزرگ الهی، جزو برترین اهداف تربیت اسلامی هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷). مفهوم اساسی تربیت در اسلام، «شناخت خدا به عنوان ربّ یگانه جهان و انسان، برگزیدن او به عنوان ربّ خویش و تن‌دادن به ربوبیت او و تن‌زدن از ربوبیت غیر» (باقری، ۱۳۸۷). است. واژه «تربیت» در قرآن، به معنای محدود مراقبت و پرورش جسمی و به عبارتی، به معنای «بزرگ کردن» به کار رفته است. هرچند در دوران کودکی نیز، ابعاد مختلفی جز بعد جسمی وجود دارد؛ اما واژه «تربیت» چنان گستردگی ندارد که همه آنها را در بر بگیرد (باقری، ۱۳۸۷). خلاصه اینکه، تربیت در نگرش قرآنی از مؤلفه‌های چندگانه سازمان یافته است؛ به دیگر سخن، چهار عنصر در مفهوم تربیت نهفته است:

۱- تقدّس و بزرگداشت تربیت و کار مربّی

۲- رشد و کمال تربیت‌شونده

۳- رحمت و مهرورزی مربّی نسبت به مربوب و متربّی

۴- حق مربّی بر تربیت‌شونده

۱. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ».

بدین تربیت و با در نظر داشتن تمامی آیات شریفه‌ای که از تربیت سخن گفته و یا واژه تربیت در آنها به کار رفته است، می‌توان در مفهوم و چیستی تربیت از منظر قرآن گفت که «تربیت یعنی برانگیختن، شکوفا کردن و رشد دادن استعداد‌های انسان در جهت کمالی که شایسته اوست، از راه فراهم‌سازی تمام و یا بخش بزرگی از زمینه‌ها و عوامل لازم و مؤثر در کمال و شکوفایی استعداد‌های انسانی و نیز، رفع موانع و اسباب بازدارندگی کمال و تعالی انسان از سوی مربی همراه با تلاش و دلسوزی تربیت‌کننده؛ به گونه‌ای که مربی به اندازه تربیت خود، وامدار و مدیون مربی باشد» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۳).

هر چند منطق تربیت با اخلاق متفاوت است؛ اما نظام تربیتی اسلام با نظام اخلاقی اسلامی به مجموعه قواعد و دستورالعمل‌های مکتب اسلام گفته می‌شود که برای هدایت انسان و قرب الی الله ضروری است (علیرحمی، ۱۳۸۷). خداوند در قرآن کریم جایگاه نظام تربیتی اسلام را چنان تصور نموده است که با سرنوشت انسان گره می‌خورد. خداوند در سوره شمس، آیه ۱۹ و ۲۰ می‌فرماید: «هر کس نفس خود را تزکیه کرد، رستگار شده و هر کس نفس خود را به معصیت آلوده ساخته، زیانکار گشت» و در سوره جمعه، آیه ۳۲ می‌فرماید: «اوست آنکه در میان بی‌سوادان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات

۱. «فَدُّ أفلحَ مَنْ زَكَّاهَا».

۲. «وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا».

۳. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانو من قبل لفی ضلال مبین».

او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد و آنان پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند». خداوند در این آیه، اول تزکیه را قبل از تعلیم آورده است و دوم، مردمی بودن حضرت محمد را تذکر داده تا جایگاه تزکیه و نظام تربیتی اسلام و تقدّم آن را بر تعلیم برای مؤمنان تبیین کند.

آنچه در تعلیم و تربیت اسلامی دیده می شود، یک تربیت کل، صحیح، منطقی و تربیتی بر مبنای اصول و مبانی محکم و استوار است و تمام ابعاد اساسی شخصیت آدمی را در نظر گرفته است. هدف تربیت اسلامی آن است که فرد جامع الاطراف و فردی را که در هر زمینه رشد یافته است، تربیت کند (شریعتمداری، ۱۳۸۵)؛ بنابراین، نظام تعلیم و تربیت اسلامی، نظام جامعی است که به پرورش همه استعدادهای انسان به طور هماهنگ تأکید دارد. در این نظام، افزون بر توجه به رابطه دینداری انسان با مبدأ آفرینش و تأکید بر مسائل مذهبی و دینی، به پرورش انسانها در جهت شناخت خود، عالم طبیعت و جامعه نیز اهمیت داده می شود و از دیدگاه اسلام، آنچه انسان را به این شناخت رسانده و استعدادهای بالقوه او را به فعلیت می رساند، تعلیم و تربیت است؛ به علاوه، خرد و خردورزی از جایگاهی خاص در تعالیم اسلام برخوردار بوده است. بیان اهمیت جایگاه خرد و خردورزی در قالب ۳۰۰ آیه در قرآن، خود دلیلی آشکار بر این مدعاست. معتبرترین کتب حدیثی این مکتب، همچون اصول کافی و بحارالانوار، باب های نخستین خود را به «باب العقل و الجهل» و «فضل العلم» اختصاص داده اند. در دین اسلام، عالم بر عابد و تفکر بر تعهد همواره برتری داشته است. احادیث بسیاری در این باب نقل شده که به عنوان نمونه می توان به دو گفته از

پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) اشاره نمود. حضرت امیر مؤمنان می‌فرمایند: «ساعتی اندیشیدن بهتر از شصت سال عبادت کردن است». پیامبر نیز در حدیثی می‌فرماید: «هر چیز را پایه و ریشه‌ای است و پایه و ریشه کار مؤمن، عقل است و ارزش و اعتبار او به اندازه عقل و قدرت تشخیص اوست» (کرمعلیان، ۱۳۸۵: ۲).

به جرئت می‌توان گفت که در میان ادیان و فرق مختلف، هیچ کدام به اندازه اسلام بر اهمیت جایگاه علم و عالم تأکید نکرده‌است. در مکتب اسلام به همان اندازه که جهل مورد نکوهش واقع شده، علم و عالم بودن مورد تحسین و تأکید قرار گرفته‌است. گفته‌ها و احادیث بسیاری مؤید این امر است.

پیامبر اکرم: «اطلبوا العلم و لو بالصین» (بحار الانوار: ۱۸۰).

حضرت علی: «الحکمة ضالة المؤمن فخذوها و لو من افواه المنافقین؛ فخذ الحکمة و لو من اهل النفاق؛ خذ الحکمة و لو من المشرکین؛ خذ الحکمة و لو من اهل الضلال» (نهج البلاغه: ۷۰۰).

در اهمیت تربیت در اسلام، همین بس که در قرآن مجید، از یکی از اهداف عالی پیامبران به عنوان تزکیه (تربیت) نام برده شده‌است. تربیت در اسلام، تنها انجام دادن مناسک دینی نیست؛ بلکه پروراندن هر صفت و کمالی است که انسان به عنوان جانشین خدا بر زمین و به عنوان انسان باید دارا باشد. آیات و روایات و توصیه‌های دینی متفاوتی

را می‌توان یافت که در آنها، نه تنها به عبادت و انجام دادن مراسم دینی توصیه شده است؛ بلکه به کسب کلیه فضائل و دوری از هر صفت حیوانی سفارش شده است. همه اینها نشان می‌دهد که تربیت اسلامی، تربیتی کامل و همه‌جانبه است. از دیگر ویژگی‌های تربیت اسلامی، این است که تمامی تلاش‌های تربیتی، یک مسیر را دنبال می‌کنند و آن عبادت و بندگی خدا و تسلیم رضای او بودن است. این ویژگی مخصوص تربیت اسلامی است و در هیچ یک از مدل‌های تربیتی وجود ندارد. از ویژگی‌های دیگر تربیت اسلامی، تأکید آن بر تربیت شناختی است. رشد هدف‌های تربیتی در دنیای مدرن و فرامدرن امروز، در اهداف مادی و دنیایی محدود شده است و هدف‌های اخلاقی، معنوی و روحانی در فرج قرار دارند؛ اما در اسلام، این مزیت وجود دارد که هدف‌های تربیتی بر محور خودشناسی، خداشناسی و تقرب و رضای الهی دور می‌زند (حسینی سروری، ۱۳۶۷). شریعتمداری (۱۳۶۹)، ویژگی‌های تربیت اسلامی را شامل موارد زیر می‌داند:

الف- جنبه‌های هدایتی بودن فرد در زمینه‌های عقلانی، اجتماعی، عاطفی و بدنی. ب- جنبه پویایی در رشد یا بالندگی هدف‌ها و انعطاف‌پذیری روش‌ها. ج- جنبه انقلابی بودن مکتب اسلام، بدین معنی که در اسلام هم نظام پویا وجود دارد و هم مبارزه با استعمار و استثمار.

از نظر ملکی (۱۳۸۹)، خصوصیات زیر تربیت اسلامی را از دیگر انواع تربیت متمایز و برجستگی‌های آن را نشان می‌دهد:

۲-۱-۱- الهی بودن

پرورش انسان خدامحور، متفکر و تزکیه‌شده که از جمله اهداف تربیتی است، همه بر اساس مکتب تربیتی اسلام طراحی می‌شوند.

۲-۱-۲- فطری بودن

تربیت اسلامی با ویژگی‌ها، نیازها و ضرورت‌های تربیت انسان انطباق و هماهنگی دارد. فطرت که سرشت و خلقت انسان را تشکیل می‌دهد، جنبه‌الهی دارد و به فعلیت درآمدن استعدادهای عالی، انسان را الهی‌تر می‌سازد. تربیت اسلامی طوری تشریح و طراحی شده‌است که زمینه مناسب و مساعد برای پرورش فطرت الهی را فراهم می‌سازد.

۲-۱-۳- تدریجی بودن

دستیابی به ایده‌آل‌ها و آرمان‌های تربیت اسلامی به طور دفعی و جهشی مقدور نیست. باید به طور تدریجی انسان به مراحل بالای رشد و قرب الهی برسد. ویژگی‌های مرز در هر مرحله سنی و امکانات و محدودیت‌های موجود، از جمله عواملی است که تدریجی بودن تربیت را ضروری و منطقی می‌سازد.

۲-۱-۴- عمومی بودن

همه انسان‌ها بدون استثنا فطرت الهی دارند. همین ویژگی، تربیت شدن را برای همه انسان‌ها به عنوان یک حق مطرح می‌کند. در دین اسلام، کلیه انسان‌ها مورد خطاب قرار گرفته‌اند، نه یک گروه خاص. این عمومیت ناشی از آن است که همه حق تربیت دارند؛ زیرا همه انسان‌ها تربیت پذیر هستند و سعادت و شقاوت آنان به نوع تربیت بستگی دارد.

۲-۱-۵- مستمر بودن

نظر به اینکه رشد انسان پایان‌ناپذیر است، تربیت اسلامی هم تداوم و استمرار دارد؛ برخلاف مکاتب تربیتی دیگر که هدف‌های مقطعی و محدود را برای تربیت انسان مشخص می‌کنند و او را در قالب‌های ثابت و محدود گرفتار می‌نمایند، تربیت اسلامی انسان از مرز خواسته‌های فردی، قومی، اجتماعی و ملی فراتر می‌رود و به مقام خلیفه الهی می‌رسد. این مقام همان است که فلسفه خلقت آدمی را تشکیل می‌دهد.

۲-۱-۶- جهانی و جاودانی بودن

تربیت اسلامی، جهانی است و همه انسان‌ها را فراتر از ویژگی جغرافیایی و نژادی آنها دربر می‌گیرد. اسلام برای تربیت انسان به معنای عام آمده است، نه برای یک قوم و یا یک منطقه خاص. نظام تربیتی اسلام جاودانی است؛ یعنی با گذشت زمان و تغییراتی که در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و غیره به وجود می‌آید، اعتبار خود را از دست نمی‌دهد و همچنان پایدار و جاودانه می‌ماند.

علیرحمی (۱۳۸۷) به پاره‌ای از خصوصیات استثنایی تعلیم و تربیت اسلامی به شرح زیر اشاره کرده‌است:

۱- خداوند مربی انسان‌هاست (سوره اسراء: آیه ۲۴).

۲- تربیت انسان، هدف اساسی دین است (سوره نحل: آیه ۸۹ و سوره آل عمران: آیه ۱۹).

۳- وجود اسوه و الگو در نظام تربیتی اسلام مورد تأکید است (سوره احزاب: آیه ۲۱ و آل عمران: آیه ۳۱).

۴- تعقل و تفکر و آگاهی مورد تأکید است (سوره زمر: آیه ۱۸).

۵- بر آزادی انسان تأکید می‌شود (سوره بقره: ۲۵۶).

۲-۲- تعلیم و تربیت لیبرال

تعلیم و تربیت لیبرال همچون خود لیبرالیسم دارای قدمتی طولانی است و هر زمان معنای خاصی از آن اراده شده‌است. در فلسفه ارسطو، تربیت آزادگان و آزادزادگان مراد بود. در قرون وسطی به تربیتی گفته می‌شد که در تهذیب نیروی روانی نقش ایفا می‌نمود. در فلسفه جان دیوئی، تربیتی لیبرال نامیده می‌شود که به آزادی دانش‌آموز منجر گردد و بالاخره، در میان عامه مردم به تربیت عمومی اطلاق می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵). هالستد

معتقد است که علیرغم برداشت‌های متفاوت و وجود دیدگاه‌های مختلف پیرامون مفهوم لیبرالیسم می‌توان یک سری ارزش‌ها را به عنوان ارزش‌های محوری این دیدگاه معرفی نمود:

۱- آزادی فردی^۱: یعنی آزادی عمل و آزادی از قید و بند به هنگام دنبال کردن نیازها و علایق شخصی.

۲- تساوی حیثیت و حرمت^۲: یعنی عدم تبعیض برای همه افراد در ساختار تئوریک و عملی جامعه.

۳- عقلانیت پایا^۳: یعنی بنا نهادن تصمیمات و فعالیت‌ها بر توجیحات عقلانی و منطقی منسجم.

در اینکه کدام یک از سه ارزش بالا در مرحله اول اهمیت قرار دارد، توافق نظر وجود ندارد و کسانی چون برلین و هایک^۴ بر مورد اول و دیگرانی چون دورکین و گاتمن و هارت^۵ بر مورد دوم تأکید دارند. صرف نظر از این اختلاف، شاید بتوان گفت تعارض بین دو ارزش (آزادی فردی و تساوی و حرمت افراد) نیاز به ارزش سوم، یعنی عقلانیت را مطرح می‌سازد (زارعان، ۱۳۸۹).

11. Individual Liberty

2. Equality of Respect

3. Consistent Rationality

4. Berlin & Hayek

5. Dworkin, Gutmann & Hart

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت لیبرال، عنصر عقلی را ارزشمندترین خصیصه انسانی تلقی می‌کنند و بر این باور هستند که اگر آدمی این عنصر را به گونه صحیح به کار ببرد، آنگاه به شناخت واقعی پدیده‌ها خواهد رسید و واقعیت‌نهایی را درک خواهد کرد؛ در واقع، انسان می‌تواند به واسطه تجلی‌های ظاهری وجود چیزها، به الگوی کلی وجود و درک هماهنگ بین امور مختلف و طرح جامع آنها نایل شود (خالقی، ۱۳۷۹).

اندیشمندان تعلیم و تربیت لیبرال به طور کلی معتقدند که عقل تعلیم‌یافته، عقلی است که نگرشی مرتبط و به هم پیوسته از امور دارد. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت لیبرال بر ویژگی‌هایی مانند پرورش تفکر انتقادی، عقلانیت یا پرورش ذهن در همه ابعاد، کسب دانش به خاطر دانش، پرورش فرد آزاد، فقدان تبعیض در قانون، تکثرگرایی عقیدتی و همگانی‌بودن تعلیم و تربیت تأکید می‌کنند (میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

به تبع عقل و عقلانیت، دانش و معرفت نیز نزد فیلسوفان لیبرال از ارزش خاصی برخوردار است؛ چنانکه نخستین فیلسوفان این سنت بر اساسی‌ترین بخش این دیدگاه، یعنی «دانش فضیلت است»، تأکید می‌ورزیدند. افلاطون معرفت یا تلاش را اساس خیر می‌دانست و معتقد بود که خیر، امری مطلق بوده و مانند قضایای ریاضی از طریق عقل قابل کشف است (مرجانی، ۱۳۸۴).

دانش و معرفت نزد فیلسوفان لیبرالیسم آموزشی جایگاه ویژه‌ای دارد. متفکران لیبرال با تأکید بر ارزش ذاتی دانش، نگرش سودجویانه‌داشتن به آن را مردود می‌دانند و با

تفکیک دانش ذاتی و ابزاری، آنچه از یک نظام تربیتی انتظار دارند، توجه به دانش معرفت ذاتی است. در تعلیم و تربیت لیبرال، پاداش دانش، خود دانش است و درک و جست‌وجوی حقیقت تا جایی وظیفه انسانی است که ذهن انسان می‌تواند از خود نشان دهد (میرزامحمدی، رهنما و صحبت‌لو، ۱۳۸۷).

اندیشه تعلیم و تربیت لیبرال، طی قرن‌ها در سراسر غرب برای تربیت شهروند آزاد جریان داشت؛ در حالی که ساختار سیاسی و اجتماعی این تمدن از دستیابی همه افراد به چنین تربیتی ممانعت می‌کرد و آن را ویژه معدودی از اشراف و بزرگان می‌دانست. تاریخ تعلیم و تربیت غرب گواه آن است که فیلسوفان و مربیان بسیاری در گذشته و همچنین در دوران معاصر، تعلیم و تربیت لیبرال را تأیید و از آن حمایت کرده‌اند (میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

به طور کلی، تربیت لیبرال همواره در پی آن بوده که افراد اندیشمند و فرهیخته‌ای را پرورش دهد تا قادر باشند به طور مفید و مؤثر از اوقات فراغت، فرصت‌ها و مسئولیت‌های خویش به عنوان شهروند استفاده کنند؛ به بیان دیگر، هدف کلی چنین تربیتی، هشیار کردن و پرورش توانایی عقلی و اخلاقی افراد است؛ به نحوی که بتوانند از این توانمندی برای سعادت بیشتر خود و منفعت بیشتر هموعان خویش استفاده کنند (گریس ولد^۱، ۱۹۶۲).

۲-۳- یافته‌های پژوهش

^۱. Griswold

۲-۳-۱- بررسی تطبیقی اهداف تربیت اسلامی و تربیت لیبرال

تربیت همانند هر فعالیت ارادی دیگر انسان، اهدافی را دنبال می‌کند. هدف‌مداری تعلیم و تربیت از هدف‌مداری نظام آفرینش و نوع جهان‌بینی و انسان‌شناسی و مبانی پذیرفته‌شده یک مکتب بشری جدا نیست؛ یعنی هر مکتبی با توجه به مبانی اعتقادی خود از تربیت انسان، هدف خاصی را دنبال می‌کرده و می‌کند؛ به هر روی، دیدگاه‌های مربوط به اهداف تعلیم و تربیت، چنانکه در ابتدای مقاله نیز ذکر گردید، در مکتب‌ها و فرهنگ‌های مختلف، گوناگون و متنوع است. در مکتب‌ها و فرهنگ‌هایی که بر اساس اصالت ماده و احیاناً انسان‌محوری و اومانیسیم بنا شده، عناوینی همچون زندگی خوب، سلامت بدن، امنیت عاطفی و رشد عقلی اهداف تربیت لحاظ شده و از آنچه عنصر اساسی تربیت انسان است؛ یعنی عنصر معنویّت و ایمان به مبدأ فضایل و کمالات انسانی کمتر اثری مشاهده می‌شود و به قول کارل، «تعلیم و تربیت امروز با توجه به پرورش افراطی قوای عقلانی، تعالی روانی را متوقف کرده است» (هاشمی، ۱۳۸۸).؛ از سوی دیگر، مکتب‌ها و اندیشمندان علوم تربیتی معنویت‌گرا و خدا‌باور، اهداف متعالی دیگری را در افق تربیت نگریسته‌اند. فردریک مایر (۱۳۴۵) می‌نویسد: «انفکاک ارزش‌های معنوی و اخلاقیات از فرایند تربیت ممکن نیست؛ با این حال، اغلب اوقات به این ارزش‌ها با کوتاه‌بینی می‌نگرند». تولستوی می‌گوید: «خوبی، عالی‌ترین مقصد جاوید حیات ماست. مهم نیست که خوبی را از چه راه بفهمیم؟ آنچه باید گفت، این است که حیات ما جز کوشش برای وصول به خوبی، یعنی

سیر به سوی خداوند، چیز دیگری نیست؛ در واقع، خوبی یک مفهوم اصلی و اساسی است که جوهر وجود ما را برای متافیزیک تشکیل می دهد که به اراده عقل قابل تعریف نیست» (هاشمی، ۱۳۸۸).

بنابراین، در ادامه به بررسی تطبیقی اهداف تربیت در دیدگاه اسلامی با عناصر اساسی معنوی و ایمان و هدف نهایی قرب الی الله و دیدگاه تربیتی لیبرال که عنصر عقلی را ارزشمندترین خصیصه انسانی تلقی می کند و انسان را محور قرار داده و به ویژگی هایی مانند پرورش تفکر انتقادی، عقلانیت یا پرورش ذهن در همه ابعاد و تکثرگرایی عقیدتی و همگانی بودن تعلیم و تربیت تأکید می کند، پرداخته می شود. در تفکر لیبرال، ابزار شناخت در اصل یا متوجه حواس مادی بشر است و یا وابسته به عقل جزئی حسابگر او؛ اما در دیدگاه اسلامی، وسیله شناسایی دیگری مطرح است که بسیار فراتر از عقل جزئی و حواس بشری است که آن، وحی الهی است. در اسلام، در حالی که به یافته های عقلی - آن هم نه فقط در مرحله جزئی، بلکه فراتر از آن - و نیز به تجربه های حسی توجه می شود و هر دو را به عنوان ابزار شناخت تا حدودی قبول دارد؛ ولی اصالت را به مؤلفه وحی داده که در آن خطا و اشتباه راه ندارد (ظهیری، ۱۳۷۸).

۲-۳-۲- مقایسه اهداف غایی دیدگاه تربیتی اسلام و لیبرالیسم

هدف غایی تربیت اسلامی، رسیدن انسان به توحید در مرحله اعتقاد و عمل است. نظام تربیتی باید همه تلاش و همت خویش را در رساندن انسان به توحید در مرحله اعتقاد و عمل به کار گیرد و انسان هایی را تربیت کند که توحید در ظاهر و باطنشان رسوخ کرده

باشد و تمامی اعمال و رفتارشان بیانگر عبودیت خداوند متعال باشد. (علامه طباطبایی به نقل از صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷). از دیدگاه تربیت اسلامی، انسان رو به سوی کمال مطلق دارد و همواره در صدد صعود به مدارج عالی انسانی، یعنی همان کمال مطلوب و ممکن انسان است و این از مهم‌ترین اهداف و هدف‌نهایی تعلیم و تربیت اسلامی است؛ «ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و سرانجام، او را ملاقات خواهی کرد» (سوره انشقاق: آیه ۶). در آیه ۵۶ سوره ذاریات^۲ نیز، خداوند هدف از خلقت انسان و جن را عبودیت عنوان کرده است؛ همچنین آیات ۱۶۲ و ۱۶۳ سوره انعام^۳ و ۱۱۵ و ۱۱۶ سوره مؤمنون^۴ اشاره به کمال‌یابی انسان و عبودیت وی دارند (هاشمی، ۱۳۸۸). باقری (۱۳۸۶) پنج هدف غایی را برای تعلیم و تربیت اسلامی بیان می‌دارد که عبارت‌اند از: هدایت و رشد، طهارت و حیات طیبه، تقوی، قرب و رضوان، عبادت و عبودیت.

اما در تربیت لیبرال، هدف‌نهایی که محور و اصل بوده و هدف‌های دیگر را تحت پوشش قرار می‌دهد، به آن شکل که در تربیت اسلامی (قرب الی الله) مطرح است، وجود ندارد. سیری در مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه اهداف تربیتی لیبرال نشانگر آن است که در این دیدگاه، «آشنایی با ارزش‌ها و ایجاد فضایل در انسان» مهم‌ترین هدف

^۱. «یا ایها الانسان انک کادحٌ الی ربک کدحا فملاقیه».

^۲. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».

^۳. «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». «لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ».

^۴. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ».

تعلیم و تربیت است (میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۸۷). پیترز (۱۹۶۵) معتقد است که وظیفه آموزش و پرورش عبارت است از: آشنایی آگاهانه دانش آموز با فعالیت های ارزشمند و به عبارت دیگر، انتقال ارزش ها به روش عقلانی؛ به گونه ای که درآموزنده برای پیشرفت، انگیزه های قوی پدید آورد. او هیر^۱ (۱۹۸۸) نیز، در انتقال ارزش ها به عنوان مهم ترین وظیفه آموزش و پرورش می گوید: «من معتقدم که پرورش درک عینی بودن ارزش ها بخش مهمی از زندگی متمدن است و در پاسداری از تمدن بشری نقش حیاتی دارد» (میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۸۷). زیباکلام (۱۳۷۴) نیز، مهم ترین هدف تعلیم و تربیت لیبرال را آشنایی با ارزش ها و ایجاد فضایل در انسان می داند؛ به گونه ای که پایه ای برای آموزش عقلی و باروری ذهنی باشد.

جدول ۱- هدف غایی تربیت اسلامی و تربیت لیبرال

هدف مهم و اصلی تربیت لیبرال	هدف غایی تربیت اسلامی
آشنایی با ارزش ها و ایجاد فضایل در انسان	عبودیت خداوند و رسیدن انسان به توحید در مرحله اعتقاد و عمل هدایت و رشد طهارت و حیات طیبه تقوی قرب و رضوان عبادت و عبودیت

1. Ohear

۲-۳-۳- اهداف واسطی دو دیدگاه تربیتی

هدف اخلاقی: در اسلام، تربیت اخلاقی انسان یکی از اهداف بسیار مهم تلقی شده است؛ به طوری که رسول خدا (ص) هدف از رسالت خویش را رشد و تکامل فضایل اخلاقی^۱ معرفی می کند (صالحی و دیگران، ۱۳۸۷). تعلیم و تربیت اسلامی که مسئولیت انجام دادن رسالت انبیا را به عهده دارد، برای پرورش اخلاقی دانش آموزان، باید اهدافی را برای رهایی آنان از جاذبه امیال نفسانی در نظر بگیرد تا آنها بتوانند امیال و آرزوهای خود را در مسیری رهبری نمایند که خداوند تعیین کرده است. تعلیم و تربیت لیبرال نیز، بر اهداف اخلاقی تأکید بسیار داشته و به اهدافی همچون حق زندگی، حق برده نبودن و ... اشاره دارد. جدول ذیل نشان دهنده اهم این اهداف است:

جدول ۲- اهداف اخلاقی تربیت اسلامی و تربیت لیبرال

اهداف اخلاقی تربیت لیبرال	اهداف اخلاقی تربیت اسلامی
۱- تربیت انسان شریف	۱- شناخت نفس و تأکید بر کرامت انسان
۲- تعمیم فضایل	۲- تهذیب نفس از رذایل و عادت های ناپسند
۳- ایجاد فضیلت در انسان	۳- تزکیه نفس و آراستن آن به فضایل اخلاقی
۴- پرورش فضیلت مدار و تحمیل آرای مخالف	۴- ایجاد روحیه صبر و مقاومت در برابر سختی ها
۵- احترام به حقوق دیگران	۵- تقویت احساس مسئولیت و تعهد در برابر خدا و مردم

۱. بعث الانتم مکارم الاخلاق.

۲-۳-۴- بررسی تطبیقی اهداف اجتماعی و فرهنگی

رستگاری و سعادت انسان در سایه گرایش اجتماعی و روح جمعی انسان حاصل می شود. تعلیم و تربیت در مورد این وظیفه و مسئولیت خطیر، باید اهدافی را تعیین کند و برای نیل به آن بکوشد.

آموزش و پرورش لیبرال نیز، همواره در پی آن بوده که افراد اندیشمند و فرهیخته‌ای را پرورش دهد تا قادر باشند به طور مفید و مؤثر از اوقات فراغت، فرصت‌ها و مسئولیت‌های خویش به عنوان شهروند استفاده کنند (شفیلد، به نقل از میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۸۷). هدف آموزش و پرورش آزاد، بالا بردن سطح فرهیختگی و هوشمندی جامعه است؛ همچنین در راه بنیان نهادن اصول صحیح، باید اذهان مردم پرورش داده شود و ذوق ملت بیدار شود تا عشق به فرهنگ در مردم ایجاد شود (نیومن، به نقل از میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۸۷). بعضی اهداف اجتماعی و فرهنگی تربیت اسلامی و تربیت لیبرال در جدول ذیل آمده است:

جدول ۳- اهداف اجتماعی و فرهنگی تربیت اسلامی و تربیت لیبرال

اهداف اجتماعی و فرهنگی تربیت لیبرال	اهداف اجتماعی و فرهنگی تربیت اسلامی
۱- پرورش شهروندان اجتماعی	۱- تقویت روحیه مشورت و همکاری اجتماعی
۲- آماده کردن دانش آموزان برای شهروندی و انتخاب و انجام عقلانی امور جمعی زندگی	۲- تحکیم مناسبات اجتماعی و سهیم شدن در سرنوشت جامعه و سازگاری با آن
۳- تغییر رفتار در قبال هموعان و تحول در درک از جهان و توانایی در انجام امور	۳- تبادل نظر با دیگران از طریق اعمال صحیح فرایندهای اجتماعی همچون سازگاری، مخالفت، همکاری و توافق

<p>۴- تعالی معنوی، عقلی و فرهنگی جامعه</p>	<p>۴- ایجاد روحیه همکاری و برادری در میان انسان‌ها و دوستی با ملل دیگر و پرورش روحیه اجتماعی</p>
<p>۵- پرورش حس تاریخی</p>	<p>۵- شناخت و پذیرش فرهنگ اسلامی و تلاش برای حفظ و گسترش آن</p>
<p>۶- زندگی خوب و پرورش تمام ابعاد وجودی انسان</p>	<p>۶- بهره‌مندی از آداب و رسوم منطبق با فطرت الهی انسان</p>
<p>۷- تربیت انسان سعادتمند</p>	<p>۷- آشنایی با زبان و معارف قرآن و روایات</p>
<p>۸- آگاه‌ساختن دانش‌آموزان از توانایی‌ها و استعداد‌های خود و علاقه به خود به عنوان یک انسان دارای مقام و ارزش</p>	<p>۸- آگاه کردن انسان از پایگاه و جایگاه خویش در جهان</p>
<p>۹- پرورش توانایی تفکر انتقادی برای ارزیابی سیاست‌ها و ارزیابی ارزش‌ها و عقایدی که از والدین یا فرهنگ جامعه به ارث می‌رسد و ارزیابی اشکال مختلف زندگی و معایب و مزایای آنها (به نقل از میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۸۷؛ جاویدی کلاته و مهرمحمدی، ۱۳۸۴؛ نیومن به نقل از زیباکلام، ۱۳۷۴؛ زیباکلام و حیدری، ۱۳۸۷).</p>	<p>۹- سعی در نگهداری، تجدید نظر، تکامل و انتقال میراث فرهنگی (به نقل از مرزوقی و اناری‌نژاد، ۱۳۸۶؛ صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷؛ کرملیان، ۱۳۸۶؛ شریعتمداری، ۱۳۵۸؛ احمدی، ۱۳۶۴؛ قایمی، ۱۳۶۰).</p>

۲-۳-۵- بررسی تطبیقی اهداف اعتقادی

سعادت و رستگاری انسان در پرتو اعتقاد صحیح او تأمین می‌شود و اعتقاد فرد، زیربنایی‌ترین عنصر در زندگی اوست که تمامی اعمال و حرکاتش از آن تأثیر می‌پذیرد و بر طبق آن جهت می‌یابد. از نظر اسلام، فراگیری امور اعتقادی بر همه واجب است و هر

فردی باید آزادانه، عقایدش را با استدلال شکل دهد و از تعبد و تقلید در عقاید بپرهیزد (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷). صاحب نظران تعلیم و تربیت لیبرال برخلاف تعلیم و تربیت دینی از جمله اسلامی، انسان را به جای خدا محور تربیت قرار داده اند و این تربیت، تجربه گر و خردگراست و به عوامل متافیزیکی و مافوق حسی بی توجه بوده و عنصر عقلی را ارزشمندترین خصیصه انسان تلقی می کند و به وحی معتقد نیست (دادی کرگان، ۱۳۸۰)؛ بنابراین، این نوع تربیت به واسطه عدم اعتقاد به متافیزیک و مبدأ آفرینش انسان به هیچ گونه هدفی در حوزه تعلیم و تربیت فرد درباره خدا (اعتقادی) اشاره ندارد. آنها معتقدند که «تعلیم و تربیت، تعهد به عقلانیت است، نه کمتر و نه بیشتر» (هرست، ۱۹۶۵). ذهن انسان با به کارگیری صحیح عقل و منطق به شناسایی ماهیت اساسی چیزها مبادرت می ورزد و قادر است که درک کند نهایتاً چه چیزی واقعی و تغییرناپذیر است؛ در نتیجه، نیاز ندارد مطابق با ظواهر فریبنده و عقاید مشکوک زندگی کند (هرست، ۱۹۷۴). اهداف اعتقادی تربیت اسلامی و لیبرال در جدول ذیل مقایسه گردیده است:

جدول ۴- مقایسه اهداف اعتقادی تربیت اسلامی و لیبرال

اهداف اعتقادی تربیت لیبرال	اهداف اعتقادی تربیت اسلامی
۱- اومانیزم (اصالت انسان)	۱- شناخت خدا و ایمان به توحید در همه مراتب آن و پرستش خدا و شکرگزاری به درگاه مقدس او
۲- عقلانیت عرفی	۲- ایمان به عدل پروردگار در خلقت و تشریح
۳- سکولاریسم سیاسی	۳- ایمان به نبوت انبیا و رسالت خاتم آنان، حضرت محمد (ص) و ایمان به امامت و ولایت ائمه معصومین
۴- پلورالیسم مذهبی	۴- ایمان به معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان

۵- ایمان به وحی و نقش بنیادین آن در میان قوانین و ایمان به غیب و امدادهای غیبی	۵- نسیب اخلاق
۶- شناخت خدا	۶- سودگرایی
۷- پرورش و تربیت انسان متقی	۷- لذت خواهی (به نقل از صادقی رشاد، ۱۳۸۶).
۸- پرورش روح عدالت خواهی (به نقل از صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷؛ شیخ الاسلامی و مزیدی، ۱۳۸۸).	

۲-۳-۶- مقایسه اهداف مدنی اسلام و لیبرالیسم

آموزش و پرورش می‌تواند مردم را بیدار، به حقوق خود آگاه و برای تحصیل حق خویش آماده نماید و در عین حال می‌تواند وسیله مناسبی برای خاموش نگه داشتن و مطیع کردن افراد جامعه نیز باشد (مرزوقی، ۱۳۸۴). مفهوم تربیت مدنی^۱ یا تربیت شهروند^۲ و یا تربیت دموکراتیک^۳ نیز، همچون مفهوم جامعه مدنی در معرض تحول قرار داشته و در زمان‌های مختلف، معانی مختلف یافته است (باقری، ۱۳۷۹). تربیت مدنی معطوف به آن است که از سویی، تعهدی در فرد نسبت به تحکیم پایه‌های حیات جمعی و اقتدار حکومت فراهم آورد و از سوی دیگر، دانش‌ها، قابلیت‌ها و توانایی‌هایی در وی شکل دهد که مانع تبدیل شدن اقتدار به اقتدارگرایی شود. نظام‌های تربیتی دنیا برای ترویج دموکراسی و

1. Civic education

2. Citizen Education

3. Democratic Education

تربیت شهروندان خود، اهداف مدنی را طراحی کرده و در پی دستیابی به آنها که در ادامه، به برخی از اهداف مدنی تربیت اسلامی و تربیت لیبرال اشاره می‌گردد.

جدول ۵- مقایسه اهداف مدنی تربیت اسلامی و تربیت لیبرال

اهداف مدنی تربیت لیبرال	اهداف مدنی تربیت اسلامی
۱- پرورش تفکر انتقادی آزاد	۱- پرورش اعضای جامعه مدنی توحیدی
۲- پرورش عدالت اجتماعی و حقوق بشر	۲- توسعه خردورزی برای موقعیت‌های عملی زندگی
۳- تقویت روحیه تکریم هویت‌های متفاوت نژادی، مذهبی و ملی موجود در جامعه	۳- پرورش روحیه تسامح و تحمل شنیدن سخن دیگران و احترام به عقیده مخالف
۴- تقویت مهارت فعالیت‌های همکارانه	۴- پرورش تفکر انتقادی متمرکز بر حقیقت
۵- تقویت سلوکی از همدردی و مسئولیت‌پذیری	۵- گسترش مشارکت سیاسی- اجتماعی
۶- یادگیری راه دموکراتیک زندگی	۶- توسعه آزادی و قانون‌گرایی
۷- به حداکثر رساندن میزان و کیفیت مشارکت دانش‌آموزان (به نقل از علم‌الهدی، ۱۳۷۹؛ جاویدی کلاته و مهرمحمدی، ۱۳۸۴).	۷- مشارکت در روابط اخلاقی
	۸- مشارکت سیاسی هم در بعد پذیرش ارزش‌ها و حاکمیت نظام سیاسی و هم در بعد اصلاح و یا تغییر آن با صبغه دینی و الهی
	۹- درک صحیح و قدرت تحلیل انتقادی نسبت به مسائل سیاسی- اجتماعی در فراگیران
	۱۰- احساس مسئولیت در قبال اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه (به نقل از مرزوقی، ۱۳۸۴؛ علم‌الهدی، ۱۳۷۹:).

۳- نتیجه‌گیری

همان‌طور که ذکر شد، در تربیت اسلامی هدف غایی وجود دارد و آن، رسیدن انسان به توحید در مرحله اعتقاد و عمل (قرب الی الله) است. این هدف، محور و اصل بوده و هدف‌های دیگر را تحت پوشش قرار می‌دهد و آنها را تنظیم و هدایت می‌کند. در این دیدگاه، خداوند محور است و تمامی تلاش‌های تربیتی، یک مسیر را دنبال می‌کنند که آن عبادت و بندگی خدا و تسلیم رضای او بودن است؛ اما در تربیت لیبرال، هدف نهایی به آن شکل که در تربیت اسلامی مطرح است، وجود ندارد. اهداف نسبتاً هم‌سطح بوده و به یک میزان دارای اهمیت و اعتبارند. در این دیدگاه، «آشنایی با ارزش‌ها و ایجاد فضایل در انسان» را می‌توان مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت دانست؛ پس انسان، محور تربیت است و آموزش عقلی و باروری ذهنی او مهم است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین اختلاف دو دیدگاه تربیتی اسلام و لیبرال در زمینه اهداف آموزشی، در نوع نگاه آنها به انسان و خداوند است که ریشه در مبانی فلسفی تعلیم و تربیت و مباحث مهم خداشناسی و انسان‌شناسی دارد. این اختلاف تا حدودی بر اهداف واسطی دو دیدگاه تربیتی نیز تأثیر گذاشته؛ اما نه به اندازه‌ای که تمایز و تفاوت‌ها بسیار باشد. در اهداف اعتقادی این تمایز آشکارتر است. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت لیبرال برخلاف تعلیم و تربیت اسلامی، انسان را به جای خدا محور تربیت قرار داده‌اند و این تربیت، تجربه‌گر و خردگراست و به عوامل متافیزیکی بی‌توجه بوده و عنصر عقلی را ارزشمندترین خصیصه انسان تلقی می‌کند و به

وحی معتقد نیست. آنها معتقدند که تعلیم و تربیت تعهد به عقلانیت است، نه کمتر و نه بیشتر. آنها به اومانسیم (اصالت انسان)، عقلانیت عرفی، پلورالیسم مذهبی، نسبیّت اخلاق، سودگرایی و لذت خواهی معتقدند؛ در حالی که در اسلام، شناخت خدا و ایمان به توحید در همه مراتب آن و پرستش خدا، ایمان به عدل پروردگار در خلقت و تشریح، ایمان به نبوت انبیا و ایمان به امامت و ولایت، ایمان به معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان، ایمان به وحی و نقش بنیادین آن در میان قوانین و ایمان به غیب و امدادهای غیبی مطرح است.

اما در سایر اهداف تربیتی، این دو مکتب با هم اشتراکات زیادی دارند. هم در اسلام و هم در تعلیم و تربیت لیبرال، تربیت اخلاقی انسان یکی از اهداف بسیار مهم تلقی شده است. در اسلام، تعهد و مسئولیت در برابر خدا و مردم مطرح است و در تعلیم و تربیت لیبرال، تعهد و مسئولیت در برابر مردم و احترام به حقوق آنها مورد تأکید است. در زمینه اهداف اجتماعی و فرهنگی، اسلام معتقد به تقویت روحیه همکاری اجتماعی، تحکیم مناسبات اجتماعی و سهیم شدن در سرنوشت جامعه و سازگاری با آن و ایجاد روح همکاری و برادری در میان انسانها و دوستی با ملل دیگر و پرورش روحیه اجتماعی است و تعلیم و تربیت لیبرال نیز، بر پرورش شهروندان اجتماعی، تعالی معنوی، عقلی و فرهنگی جامعه و تربیت انسان اجتماعی و سعادت مند تأکید دارد. در زمینه اهداف مدنی نیز، توسعه خردورزی، پرورش روحیه تسامح و تحمل شنیدن سخن دیگران و احترام به عقیده مخالف، تفکر انتقادی، مشارکت سیاسی - اجتماعی، احساس مسئولیت در قبال اوضاع

سیاسی و اجتماعی جامعه، پرورش عدالت اجتماعی و حقوق بشر، تقویت روحیهٔ تکریم هویت‌های متفاوت نژادی، مذهبی و ملی موجود در جامعه و همدردی و مسئولیت‌پذیری در هر دو دیدگاه تربیتی مورد تأکید است.

بنابراین، به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که اهداف غایی و واسطی تعلیم و تربیت در اسلام نسبت به لیبرال جامع، دربردارندهٔ مباحث انسانی و متافیزیکی به طور توأمان و مبتنی بر طبیعت انسان و فلسفهٔ آفرینش است و برخلاف لیبرال، متکی بر انسان‌محوری و اومانیسیم نیست و اسلام در تربیت انسان، چیزهایی دیده است که نگاه لیبرالیسم از دیدن آن عاجز بوده است.

فهرست منابع

احمدی، سیداحمد. (۱۳۶۴). **اصول و روش‌های تربیت اسلامی**. چاپ دوم. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

باقری، خسرو. (۱۳۷۹). «**امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران**». چاپ‌شده در مجلهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. ش ۶۰، صص ۱-۱۸.

باقری، خسرو. (۱۳۸۷). **تحلیل و بررسی مفهوم اسلامی تربیت**. به قلم جمعی از مؤلفان. دانشگاه شهید چمران.

باقری، خسرو. (۱۳۸۷). «**تربیت دینی در قرن بیست و یکم**». چاپ شده در رشد معلم. ش ۲۲۹، صص ۱۰-۱۱.

باقری، خسرو. (۱۳۸۴). «**مراحل و اصول تعلیم و تربیت در دیدگاه نوعمل گرایی ریچارد رورتی**». چاپ شده در نشریه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. ش ۷۰، صص ۱-۲۸.

جاویدی کلاته جعفر آبادی، طاهره؛ مهر محمدی، محمود. (۱۳۸۵). «**رویکردی تطبیقی به دلالت های تربیتی نظریه های دموکراسی** (چالش میان نظریه های لیبرال، جماعت گرا و تفاهمی)». چاپ شده در نشریه مطالعات اسلامی. ش ۷۱، صص ۶۰-۸۵
جعفری، میرشاه؛ مقامی، حمید. (۱۳۸۴). «**رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه**». چاپ شده در مجله اندیشه دینی. ش ۱۵۰، صص ۹۹-۱۱۸.

حسینی سروری، علی. (۱۳۶۷). **مباحثی چند پیرامون مبانی تعلیم و تربیت اسلامی**. چاپ شده در دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خالقی، رضا. (۱۳۷۹). «**تبیین و نقد نظام تربیتی لیبرال**». پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

دادی کرگان، محمد. (۱۳۸۰). «**مقایسه و نقد تطبیقی تعلیم و تربیت دینی با تعلیم و تربیت لیبرال**». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی.

رضوی، عبدالحمید. (۱۳۸۴). «نگاهی به تعلیم و تربیت از دیدگاه زرتشت». چاپ شده در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ش ۲۲(۴)، صص ۲۷-۴۶. رفیعی، بهروز. (۱۳۸۸). **آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن**. چاپ دوم. مؤسسه چاپ سبحان.

زیباکلام، فاطمه. (۱۳۷۴). «بررسی برخی دیدگاه‌های آموزش و پرورش آزاد یا سنتی». چاپ شده در مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. ش ۵۴، صص ۱۰۳-۱۲۶.

زارعان، محمدجواد. (۱۳۸۹). «تربیت دینی - تربیت لیبرال». چاپ شده در مجله معرفت. ش ۳۳، صص ۸-۱۸.

شیرازی، مکارم. (۱۳۶۷). **تفسیر نمونه**. ج ۲۴. دارالکتاب الاسلامیه.

شریعتمداری، علی. (۱۳۵۸). **تعلیم و تربیت اسلامی**. تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.

شریعتمداری، علی. (۱۳۶۹). **تعلیم و تربیت اسلامی**. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

شریعتمداری، علی. (۱۳۸۵). **تربیت از دیدگاه اسلام**. سایت باشگاه اندیشه به نقل از فصلنامه شورای فرهنگ عمومی. تاریخ نشر ۱۳۸۵/۹/۲۶.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۷۵). **فرهنگ علوم رفتاری**. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

شیخ الاسلامی، راضیه؛ مزیدی، محمد. (۱۳۸۸). «مبانی وجودشناختی و انسان‌شناختی روش‌های تربیتی اسلام از دیدگاه قرآن و سیره پیامبر اعظم». چاپ‌شده در دو فصلنامه علمی - تخصصی اسلام و پژوهش‌های تربیتی. ش ۱، صص ۱۵-۳۵.

صالحی، اکبر؛ یاراحمدی، مصطفی. (۱۳۸۷). «تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی». چاپ‌شده در دو فصلنامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی. ش ۳(۷)، صص ۲۳-۵۰. صدیق، عیسی. (۱۳۵۴). **تاریخ فرهنگ ایران**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. صلیبی، ژانست. (۱۳۷۹). «تربیت از دیدگاه نهج‌البلاغه». چاپ‌شده در نامه علوم انسانی. ش ۴(۵)، صص ۳۰۳-۳۲۹.

ضرابی، عبدالرضا. (۱۳۸۸). «مجموعه مقالات تربیتی (تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی)». انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ظهیری، سیدمجید. (۱۳۷۸). «درآمدی بر مبانی معرفت‌شناختی آزادی در اسلام و لیبرالیسم». چاپ‌شده در مجله اندیشه حوزه. ش ۲۰، صص ۲۷-۴۴.

علیرحمی، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). **پژوهشی در نظام تربیتی اسلام**. سایت باشگاه اندیشه. تاریخ نشر ۱۳۸۷/۲/۲۲.

علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۷۹). «چشم‌اندازی به تربیت مدنی از دیدگاه اسلام». چاپ‌شده در مجله تربیت اسلامی. ش ۱، صص ۱-۱۹.

قائمی، علی. (۱۳۶۰). «اصول و میانی تربیت اسلامی؛ اصولی در اهداف

فرهنگی». چاپ شده در مجله پیوند. ش ۲۵، صص ۵۰-۵۱.

کرمعلیان، حسن. (۱۳۸۵). «تبیینی از اهداف تربیت اسلامی بر مبنای قلمروهای

حیات». چاپ شده در دو فصلنامه تربیت اسلامی. ش ۱۲(۱)، صص ۲۰-۳۶.

مایر، فردریک. (۱۳۴۵). تاریخ فلسفه‌های تربیتی. ترجمه علی اصغر فیاض. تهران:

انتشارات بینا.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار.

مرزوقی، رحمت‌الله؛ اناری نژاد، عباس. (۱۳۸۶). «تربیت اجتماعی از منظر

نهج البلاغه». چاپ شده در تربیت اسلامی. ش ۲(۴)، صص ۴۳-۶۲.

مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۴). «تربیت مدنی از دیدگاه اسلام، رویکردی به

پرورش سیاسی». چاپ شده در مجله تربیت اسلامی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه).

ش ۱، صص ۴۹-۶۵.

مرجانی، بهناز. (۱۳۸۴). «بررسی نظریه‌های کار و تربیت با تأکید بر مبنای

معرفت‌شناسی و تأثیر آن بر آموزش حرفه‌ای». چاپ شده در دو ماهنامه

علمی-پژوهشی دانشور رفتار. دانشگاه شاهد. ش ۱۲(۱۵)، صص ۱-۱۹.

ملکی، حسن. (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت اسلامی (با رویکرد کلان‌نگر). تهران:

انتشارات عابد.

میرزامحمدی، محمدحسن؛ رهنما، اکبر؛ صحبت‌لو، علی. (۱۳۸۷). «بررسی مبانی لیبرالیسم آموزشی با تأکید بر دلالت‌های آن در اهداف، محتوی و روش‌های تعلیم و تربیت». چاپ‌شده در اندیشه‌های نوین تربیتی. ش ۴(۴)، صص ۴۷-۶۶.

میرلو، محمدمهدی. (۱۳۸۷). «ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی». روزنامه جام جم، مورخه ۱۳۸۷/۶/۱۷.

نهج البلاغه: الحکمة ۸۰، خصائص الأئمة (عليهم السلام): ۹۴.

هاشمی، سیدحسین. (۱۳۸۸). «چیستی و اهداف تربیت». چاپ‌شده در پژوهش‌های قرآنی. ش ۵۹-۶۰، صص ۱-۲۰.

Griswold A. Whitney (1962) *Liberal Education and democratic Ideal and other Essays*. Anited states of american. Yale university, : 19.

Hirst, P. H, (1965) *Liberal Education and the nature of knowledge, in: R. S peters (Ed), Knowledge and the curriculum*, First edition, Landon, Routedge and kegan paul.

Hirst, P. H, (1974) *philopshy and curriculum planing, knowledge and the curriculum*, first edition, London, Routledge and kegan paul

Mattson, Kenvin (2001), "Remember Liberalism?" *social theory and practice*, 27(3): 519.